

بازخوانی معیارهای فرهنگی و اجتماعی در مسکن با تاکید بر اندیشه اسلامی

رضا کشاورز نوروزپور- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
هادی محمودی نژاد* - استادیار، گروه معماری، واحد مهدیشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدیشهر، ایران
ایرج اعتصام - استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Review Cultural and social norms in housing with emphasis on Islamic thought

Abstract

To analyze and comment on the characteristics of any phenomena in the world, there are a variety of ways that are mainly influenced by the principles governing the worldview and the beliefs of the society, and the group that each phenomenon considers to be abstract and isolated in the world only with respect to the function, values, and faces in the universe, and finally with regard to the ultimate goal of the universe. In this paper, the concept of optimal housing is based on the teachings of Islam. The research method is descriptive - analytical and logical reasoning which has been studied by referring to the verses and narratives. In this regard, with regard to the four areas of housing, reconstruction and Islamic housing and architectural values of Iran, the indices required for this study were identified. These indices have been chosen in a way that the joint season of the quitted logic has been introduced. The statements that are shared with the principles and values of the Iranian architecture and in the region architecture have the potential to become physical. So, concepts such as centrality, fitness, harmony, harmony, balance space, order, visual order, mental component, geometry, orientation (Qibla) and health have been considered. in the end the concepts found from verses and narratives about desired housing will be referred to from the point of view of Islam.

Keywords: housing, Islamic housing, cultural - cultural norms, indigenous housing.

چکیده

برای بررسی و اظهارنظر در مورد ویژگی‌های هر پدیده‌ای در جهان، روش‌های گوناگونی مطرح است که عمدتاً از اصول حاکم بر جهان بینی و باورهای جامعه نشأت می‌گیرند. با اندکی تسامح می‌توان روش‌ها را در دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد: گروهی که هر پدیده، مفهوم و عنصری را در جهان به صورت انتزاعی و منفک از دیگران و تنها با توجه به کارکرد، ارزش‌ها و هویتی که بر آن مرتبط است مورد بررسی قرار می‌دهند، و گروهی که آن‌ها را در ارتباط با سایر پدیده‌ها، اجزاء عناصر، مفاهیم و با کل‌های موجود در جهان و نهایتاً با توجه به هدف غایی عالم هستی مورد توجه قرار می‌دهند. در این مقاله مفهوم مسکن مطلوب بر اساس آموزه‌های دینی اسلام مورد توجه بوده است. روش تحقیق مقاله «توصیفی-تحلیلی» و «استدلال منطقی» است که با رجوع به آیات و روایات به بررسی مفهوم فوق‌الذکر پرداخته است. در این راستا با پرداختن به چهار حوزه مسکن، بازسازی و نگره‌های اسلامی مسکن و ارزش‌های معماری ایران، شاخص‌های مورد نیاز این پژوهش شناسایی گردید. شاخص‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که فصل مشترک حوزه‌های چهارگانه مطرح شده باشند. گزاره‌های که با اصول و ارزش‌های معماری ایران مشترک بوده و در معماری منطقه قابلیت کالبدی شدن را داشته باشند. از اینرو مفاهیمی از قبیل مرکزیت، تناسب، تناسب زیبایی، به‌هم پیوستگی، تعادل، فضای پروخالی، نظم، نظم بصری، مؤلفه روانی، هندسه، رعایت جهت‌گیری (قبله) و بهداشت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در پایان نیز به اجمال مفاهیم یافته شده از آیات و روایات درباره مسکن مطلوب از دیدگاه اسلام مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: مسکن، مسکن اسلامی، معیارهای فرهنگی - اجتماعی، مسکن بومی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۱۹۷۰۸۰، رایانامه: hadi_urban@yahoo.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری رضا کشاورز نوروزپور با عنوان «تبیین قواعد طراحی بناهای مسکونی در کلانشهر تهران بر مبنای توسعه درون‌زا» است که به راهنمایی دکتر هادی محمودی نژاد و مشاوره دکتر ایرج اعتصام در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام یافته است.

مقدمه

«مسکن» صرفاً پناهگاه یا امکانات خانگی نیست، بلکه شامل طیف بیشتری از امکانات، خدمات و تسهیلات می شود که بواسطه آن فرد و خانواده اش به جامعه پیوند می یابند (Turner, 2007: 174). مفهوم مسکن، چیزی فراتر از چارچوب خانه است و در برگیرنده محیط کالبدی بزرگتر و جامعه انسانی گسترده تری نسبت به خانه می باشد و در واقع می توان مسکن را در ارتباط با کل جامعه انسانی سکونتگاه قلمداد کرد (پاکدل فرد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۲). مسکن همواره از جمله مهمترین مقولات در زندگی بشر بوده است که بعنوان کالایی مولد باعث تضمین اعتبار معیشت خانوارها تلقی می شود (روستایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴ و غنی و فرهنگی منش، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵ و محمدی و رضویان، ۱۳۹۰، ص ۸۸). مسکن از احتیاجات بنیادی یک خانوار می باشد که بایستی جوابگوی خواسته های انسانی او باشد چه اینکه کمبود این خواسته ها در توسعه مسکن، بحران های جدی در زمینه شکل دادن یک جامعه پایدار را به دنبال خواهد داشت (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸، ص ۹۸). در دنیای امروز نیز مسکن بسیاری از عرصه های زندگی انسانی را تحت تسلط خود قرار داده است (فرهنگی منش، ۱۳۷۴، ص ۳۷۱). امروزه این حقیقت که هر پدیده ای در هر لحظه وابسته به ترکیب دائمی متغیرهای بی شماری است که دارای همبستگی منظم، مداوم و چند سویه هستند، غیر قابل انکار است. بنابراین در بررسی و برنامه ریزی هر پدیده جنبه های مختلف آن بایستی مد نظر قرار گیرد (ملکی، ۱۳۸۲، صص ۶۲-۶۱). همچنین بررسی آراء مردم در شکل گیری و شکل دهی به فضای سکونتشان مقوله ای نسبتاً پیچیده ای است که به زمینه های مختلف علوم از جمله انسان شناسی، مردم شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی مرتبط می گردد. «انسان شناسی مسکن» در واقع یکی از شاخه های نوپای انسان شناسی فرهنگی است که به مقوله ارتباطات ذهنی و ادراکی مردم با محیط سکونتشان می پردازد (فکوهی و غزنویان، ۱۳۹۱، ص ۲۹). از این منظر خانه برای انسان، نقطه آغاز بسیاری از دوگانگی ها، هم چون «سفر- آمدن، استراحت- جنب و جوش، خانواده- اجتماع، فضا- مکان، درون- بیرون، خصوصی- عمومی، خلگی- اجتماعی، قلب- ذهن، بودن- شدن» است (Short, 2006: 14)؛ لذا می توان گفت برای مردم دو انگیزه ای اصلی سرپناه و هویت در گزینش مسکن اهمیت بنیادی دارد. وجه سرپناهی خانه که به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح است و جنبه فعال مفهوم خانه که ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانوادگی است (حائری،

۱۳۸۸، ص ۴۸). اسکان بشر نقشی تمدن ساز در فرآیند تاریخی توسعه جوامع داشته است و در این فرآیند، شهرها به مثابه برترین سطح اسکان، کانون ایفای این نقش بوده اند. چشم انداز توسعه جهانی نشان می دهد این نقش همچنان تداوم دارد (اسماعیل پور، ۱۳۸۹، ص ۹۶). همچنین، مسکن از دیرباز مهمترین مسئله زندگی انسانها بوده است. داشتن سرپناهی مطمئن، ایمن و راحت، از آرزوهای دیرینه هر انسانی می باشد که در این راه با توسل به انواع روشها و تکنولوژی ها سعی در بهتر نمودن روند شکل گیری و توسعه این آرزو داشته است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

با اینکه اصول اسلام، حقایقی است ثابت و تغییرناپذیر که برای همه زمانها وضع شده، ولی فروع زیاد بوده و اجتهاد ضرورت دارد. یعنی در هر عصر و زمانی به افراد متخصص نیاز است تا اصول اسلامی را با مسائل متغیری که در زمان پیش می آید تطبیق داده و معین نمایند که این مسائل وارد بر چه اصولی است، بدیهی است اصولی که در مورد مسکن وضع شده از این قاعده مستثنی نبوده و باید بازشناسی و با شرع و شرایط زمان انطباق داده شود. آموزه های اسلامی ارائه شده در قرآن مجید و کلام معصومین (علیهم السلام) راهبردهای مفهومی و عملی مشخصی را به صورت اصولی فرا زمانی و فرامکانی ارائه داده که قابل بهره برداری هستند، از آن جایی که آموزه های اسلامی بر فضاهای زیستی از جمله مسکن تأثیر بسیار مفید و مثبتی دارد لذا مطالعه و تحقیق در این رابطه حائز اهمیت است. از سویی دیگر، بزرگترین گروه را می توان جامعه فرض نمود که امام علی (ع) جامعه و سازمان را مجموعه ای از گروه ها و اصناف مختلف می دانند که با هم ارتباط دارند به طوری که حیات هر کدام وابسته به دیگری است (بابائی طلائی، ۱۳۸۶، ص ۳۲). همچنین، مدیریت عبارت از جهت دهی به تلاش های افراد همکار در یک سازمان و ایجاد هماهنگی بین این تلاش ها می باشد و در مدیریت قابل قبول با ارزش های اسلامی تنها به کارایی افراد توجه نمی شود بلکه رشد معنوی و تعالی انسانی افراد نیز مورد توجه قرار می گیرد (ربی پور و صمدی وند، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). محور ایمان مومنان، در کنار خدا و رسول و ائمه، هماهنگی و وحدت در اجتماع است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷). در تعالیم اسلامی همسایگی مقدمه ای رسیدن به وحدت یا مفهوم «امت» واحده است. «اساس جامعه ای مسلمانان، بنیادش بر توحید قرار گرفته است. اسلام، سنتی است که جهت و گرایش آن به سوی جامعه است. تأثیر این جهت یابی را در تعبیر مفهوم «امت» که همان جامعه مسلمانان است می توان یافت. این مفهوم به همه مسلمانان ماموریت می دهد که دارای یکپارچگی

اجتماعی باشند» (مرتضی، ۱۳۸۷، صص ۴۱ و ۴۲). اسلام، تعهد به تشکیل «امت» که لازمی آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (یعنی خانواده و اهل محل یا همسایگی) می‌باشد را تقویت می‌کند که این امر موجب نوعی احساس وفاداری، همبستگی و انسجام بر اساس اسلام، می‌گردد. بنابراین تلاش تعالیم اسلامی بر ایجاد وحدت و یکپارچگی اجتماعی می‌باشد و در راستای مدیریت و بهره‌وری حداکثری این موضوع، از تمام عوامل مربوطه بهره می‌گیرید، که یکی از این عوامل را می‌توان مسکن دانست.

ادبیات تحقیق مسکن

در رابطه با تعریف مفهوم مسکن، محققین مختلفی اذعان داشته‌اند که مسکن به عنوان یک مکان فیزیکی، سرپناه اولیه و اساسی خانوار به حساب می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت تأمین می‌شود (اهری و حبیبی، ۱۳۶۷، ص ۷). مفهوم مسکن کل محیط مسکونی را در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و طرحهای اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است (محمدی و رضویان، ۱۳۹۰، ص ۸۸). مفهوم «مسکن» نیز چیزی فراتر از چارچوب خانه را شامل می‌شود و دربرگیرنده محیط کالبدی بزرگتر و جامعه انسانی گسترده‌تری نسبت به خانه می‌باشد و در واقع می‌توان مسکن را در ارتباط با کل جامعه‌ی انسانی سکونتگاه قلمداد نمود. علامه دهخدا مسکن را محل سکونت و جای آرام یافتن دانسته و آنرا شامل

مسکن جزوی یعنی خانه‌ها و مسکن کلی یعنی شهرها می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۸۰، ص ۱۳). فارابی نیز در آرای مدینه‌ی فاضله، مسکن را بر دو قسم مسکن جزوی (واحد مسکونی) و مسکن کلی (سکونتگاه‌های شهری یا روستایی) تقسیم می‌کند (سرتیپی پور، ۱۳۸۳، ص ۲۵) و مسکن را در ارتباط با جامعه‌ی انسانی نیز قلمداد می‌کند. فارابی در فصل بیست و دوم «فصول منتزعه» (که دربردارنده صد فصل در بخش‌های حکمت عملی، سیاست مُدُن، دانش اخلاق و تدبیر منزل است) ضمن اظهار نظر در مورد خانه و شهر، بیان می‌دارد که خواست دانیان قدیم از واژه شهر و خانه تنها جایگاه سکونت و آرامش نبوده، بلکه مسکن شامل انسان‌ها هم می‌شود که خانه یا شهر آنها را در بر گرفته است و در آن زندگی می‌کنند (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). «خواجه نصیرالدین طوسی» نیز با فرق گذاری میان «منزل» و «مسکن»، مسکن را برتر از منزل معرفی می‌نماید و به اهمیت مساله همسایگی اشاره می‌کند (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۴۶، صص ۱۸۰ و ۱۸۱).

جدول ۱. صفات، امکانات و انتظارات از مسکن مطلوب؛ مأخذ: نگارندگان.

| | |
|------------------------|--|
| صفات مطلوب | مسکن آرامش، آسایش، امنیت، ایمنی، محرمت و غیره. |
| امکانات مطلوب | امکان ارتباط با طبیعت، امکان ارتباط با دیگران، امکان ارتباط با خود، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و غیره. |
| انتظارات از مسکن مطلوب | احترام به حقوق دیگران، احترام به خانواده، ترجیح هویت جمعی به هویت فردی و غیره. |

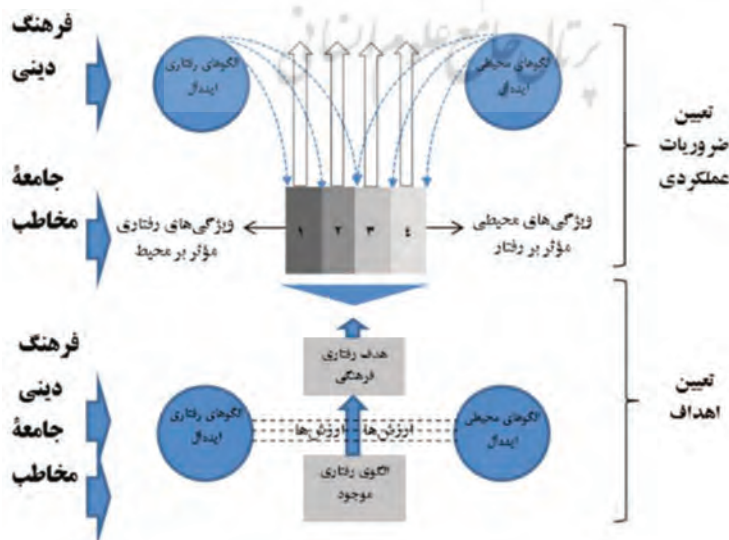
جدول ۲. معانی مسکن؛ مأخذ: امین پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴۹.

| | | |
|---|--|--|
| بیت: محل بیتوته در شب. | جا: کلمه‌ای که مطلق مکان است | جای‌باش: سرا و منزل و جایگاه/ جایگه: مکان استقرار. |
| سرا: منزلگاه، بنای عالی و بارگاه. | دار: خانه، محل سکونت، مطلق درخت را گویند، شتر بسیار شیر دهنده. | ربع: سرا و اطراف خانه فرود آمد نگاه. |
| کازه: خانه‌ای که به عنوان سایبان از تخته سازند. | ششم: خانه زیرزمینی و کاروان سرا | کار: خانه داخل زمین و خانه ساخته شده از چوب و تی |
| کاشه: خانه‌ای که بر کنار کشت و زراعت سازند. | کازه: منزل و مقام و کمینگاه صیاد. | کاشان: منزل زمستانی و محقر آشیانه مرغان. |

| | | | |
|---|--|--|--------------------------------------|
| کد: یا کت به معنای تخت، ده و دهکده است. | کبس: خانه گلی | کاظ: کاشانه و خانه کوچک و محقر. | کهنبار: به معنای منزل و بیت و بارگاه |
| مأوا: جایگاه جای بودن، جای سکونت و اقامت. | مان: به معنای سرا و مسکن و ماندن از ریشه آن است. | مابد: جا و مکان و مسکن. | مبآءه: جای باش، منزل و جای آرامش |
| مسکن: جای سکونت، جای باش و بقاء | مَحط: موضع و منزل، جای فرود آمدن. | مَشاوا: جای آرام، قرارگاه و جای حیات | معان: جایگاه، جای باش و حیات |
| منزل: اقامت موقت، محل خوابیدن و آرامش. | مکان: معنی مطلق جا، موضع بودن چیزی. | مقام: اقامت و قیام و جای ایستادن است. | منقله: منزل و فرود آمد نگاه. |
| | | موقع: جای و جایگاه افتادن، جای واقع شدن چیزی | موضع: جای، محل، مفهوم مطلق جا. |

در تعالیم اسلامی، آبادی و ثروت شهر با دو رفتار اسلامی یعنی «صله‌ی رَحِم» و «حُسن همسایگی» تعریف شده است و در مورد عمل به آداب مهمان‌داری و همسایگی در اسلام پادشاه‌های دنیوی و آخروی زیادی ذکر شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «صله‌ی رحم و خوش رفتاری با همسایه، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند» (کلینی، بی‌تا، ۲۲۳، ص ۳). پیامبر(ص) نیز صله‌ی رحم را موجب آبادی خانه‌ها و افزایش طول عمر فرموده‌اند، هرچند به‌جا آوردندگان صله‌ی رحم از نیکان نباشند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۲۰۱۷، ص ۴). پذیرش مهمان در سبک زندگی اسلامی، علاوه بر ارحام و خویشان، شامل برادران دینی نیز می‌باشد که این کار برای صحبت در زمینه‌ی معارف دینی و منزلت اهل‌بیت(ع) و در خانه‌های مومنان انجام می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: «در خانه‌هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار، امر ما را زنده می‌کند. رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده کند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۲۲۷۹، ص ۵ و مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲). بنابراین می‌توان اندیشه‌ی اسلامی در باب مدیریت مسائل اجتماعی در زمینه‌ی مسکن را به سه حوزه همسایگی، مهمان‌داری و تشکیل جلسات مذهبی در خانه دسته‌بندی نمود. مساله بسیار مهم همسایگی را نیز می‌توان در دو عنوان روابط اجتماعی و مسائل کالبدی طبقه‌بندی نمود.

نمودار ۱. مدل برنامه‌ریزی فرهنگی مسکن در شهر اسلامی، ماخذ: ناری‌قمی، ۱۳۹۳، ص ۶۰.



جدول ۳. هویت معماری و مسکن در جامعه سنتی و مدرن؛ ماخذ: نگارندگان.

| مولفه های مشترک انسان جامعه سنتی و مدرن | انسان زیسته در جامعه سنتی | انسان زیسته در جامعه مدرن |
|---|---|--|
| هستی و غایت جهان | یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت | برهه ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام و وعده و معادی |
| اهداف زیست | دست یابی به بهشت موعود و جهان غیر مادی | کام گرفتن از جهان مادی (زیرا هدفی جز آن نمی شناسد) |
| اصول زیست (شخصیت و هنجارهای اجتماعی) | پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری ها و بردباری ها | پیروی از اصول مطابق با توافق انسان ها و تابع قراردادهای اجتماعی و عدم اعتقاد به ریاضت، عقوبت |
| هویت | ذات الهی مقدم بر وجود انسان + هویت در جامعه سنتی واحد، پایدار و الهی (ایمان به غیب) | وجود انسان مقدم بر هر پدیده ای + هویت در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی |
| هویت معماری | مظهر و محل تجلی اصول بایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و موارد مشابه. | مظهر اصول بویا، متکثر و گذرای عصر جدید نظیر: اختلاط ها و غیره. |

معیارهای اجتماعی در مسکن اسلامی

در دین مبین اسلام، روابط اجتماعی و برخوردهای انسانی، بر پایه اعتقاد استوار است و انسان مسلمان، معاشرت و مصاحبت خود را به گونه ای تنظیم می کند که بیرون از باورهای دینی و آئینی او نباشد. اسلام، شناخت حدود و میزان معاشرت را از ضروریات زندگی اجتماعی مسلمان می داند و بخش مهمی از تعالیم خویش را به این امر اختصاص می دهد (ربی پور و صمدی وند، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷). در اندیشه ی اسلامی، خداوند یگانه، تنها حاکم و قانون گذار می باشد و قوانین خداوند بر کل جهان هستی حکم فرماست و بنابراین انسان باید خود را با قوانین الهی سازگار کند (Qurashi, 1984, 6). مسکن پدیده ای پیچیده و مرتبط با با مقوله های بسیاری می باشد که می توان مسائل انسانی و اجتماعی را از مهمترین این موارد فرض نمود. آموس راپاپورت که معماری مسکن را یک پدیده ی متأثر از مساله ی فرهنگ قلمداد می کند، خانه را در درجه اول یک نهاد به شمار می آورد تا یک پدیده ی

سازه ای، و جنبه ی سرپناه بودن خانه را به عنوان وظیفه ی ضمنی و ضروری فرض کرده، و جنبه ی مثبت مفهوم خانه را ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه «واحد اجتماعی» قلمداد می کند (Rapoport, 1969, 46). لذا، انسان موجود مدنی و اجتماعی است و هر اجتماعی در صورتی دوام پیدا می کند که قوانین و مقرراتی برای اداره ی صحیح اجتماع وضع گردد (بابائی طلائی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). در نظام اجتماعی، مدیریت، محور زندگی است و ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی انسان بیشتر احساس می شود. در تمام ملت ها و دولت ها نوعی مدیریت و سیاست برای اداره کشور و مردم وجود داشته و دارد. هم اکنون مبحث، چگونگی اداره انسانها در مراکز گوناگون اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و غیره، نوعی با مباحث مدیریت در ارتباط است که هر یک از دولت ها و ملت های کنونی جهان تلاش می کنند تا با راه و رسم و آداب و رسوم و نوآوری های خاص خودشان «مدیریت» را تعریف کنند و فرد و جامعه را اداره نمایند (همان، ص ۲۵).

جدول ۴. راهبردهای اسلامی طراحی محیط در مقیاس مسکن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

| مسئله | مبنای اسلامی | راهبرد | نتیجه و تأثیر |
|-------------|---|---|---------------------|
| مرز همسایگی | احادیث معصومین در مورد ضرورت توجه به همسایگان تا چهل خانه | تنظیم واحدهای همسایگی به صورتی که بسترساز تعاملات اجتماعی باشد و مزاحمتی برای دید و بهره مندی طبیعی هم ایجاد نکنند. | تقویت روابط اجتماعی |

| مسئله | مبنای اسلامی | راهبرد | نتیجه و تأثیر |
|---|--|---|---|
| شأن دینی محله | احادیث تعرب و توجه به بعد دینی محله و همسایگان | توجه به شأن دینی محله‌ها و توسعه محله‌های دینی‌تر | تقویت هویت و معرفت دینی افراد |
| توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین | سوره حج، آیه ۳۲ | مکان‌یابی نمادهای معنوی و قدسی در کانون‌های اصلی شهر و لحاظ کردن کالبد مناسب برای آن‌ها | متذکر شدن دائمی شهروندان در فضاهای شهری درباره هدف و جهت اصلی زندگی |
| بهترین و بدترین جایگاه‌های نشستن | حدیثی از پیامبر (ص) | پرهیز از طراحی و اجرای فضاهای مکث و توقف در مراکز تجاری؛ افزودن فضاهایی همچون، کتابخانه، مسجد یا زیارتگاه و غیره به فضاهای تجاری و پررنگ‌تر کردن بُعد فرهنگی در بازار | ایجاد مراکز تجاری با نظام فضایی صرفاً متناسب با رفع نیازهای اقتصادی مردم و نه اجتماعی و تفریحی |
| حقوق همسایگی | احادیثی از پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) | توجه به ارتفاع، فرم و کالبد ابنیه مسکونی مجاور هم‌جهت حفظ حقوق مالکان | حفظ حقوق مالکان و کاهش تنش‌های احتمالی میان آنان |
| نهی از تکبر به‌وسیله خانه | سوره شعراء، ۱۲۸-۱۲۹ و حدیثی از حضرت علی (ع) | لزوم تبعیت واحدهای همسایگی از فرم، نما و مصالح تقریباً مشابه و هم‌سخت؛ پرهیز از هر نوع سبک و فرم غیر هماهنگ با بافت همسایگی در طراحی و اجرای ابنیه مسکونی | ارتقاء عدالت و انسجام اجتماعی و روحیه برادری میان همسایگان؛ دوری شهروندان از صفت رذیله کبر و نیل جامعه اسلامی به‌سوی هماهنگی و وحدت |
| حفظ پیوستگی و عدالت اجتماعی در مجموعه واحدهای مسکونی | احادیثی از پیامبر(ص) و امام صادق (ع) | توسعه کالبدی شهر به‌نحوی‌که محلات مسکونی و در مقیاس خردتر، واحدهای همسایگی به‌طور مشخص قابل تعریف باشند | حفظ روابط منسجم کالبدی بین واحدهای همسایگی در محلات |

قرار دادیم» همچنین در سوره فرقان آیه ۵۰ می‌فرمایند (و النوم سباتا).

تعبیر «سبات» اشاره لطیفی به تعطیلی قسمت‌های قابل توجهی از فعالیت‌های جسمی و روحی انسان در حال خواب است، در خواب قسمت مهمی از کارهای بدن به کلی تعطیل می‌شود و قسمت‌های دیگری همچون قلب و دستگاه تنفس برنامه عادی خود را بسیار کم کرده و به صورت آرام‌تر ادامه می‌دهند. یک تعطیلی موقت، سبب استراحت و بازسازی اعضای فرسوده، تقویت روح و جسم، تجدید نشاط انسان و رفع هرگونه خستگی و

این حقیقت، بر هیچ‌کس پوشیده نیست که همه موجودات زنده، برای تجدید نیرو و به‌دست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت، نیاز به استراحت دارند، استراحتی که به طور الزامی، به سراغ آن‌ها بیاید و حتی افراد پرتلاش و یا حریص را نیز ناگزیر به انجام آن سازد. چیزی در حدود یک سوم (۱/۳) عمر انسان در خواب می‌گذرد و لذا فضایی که بستر لازم برای یک سوم عمر انسان را فراهم می‌آورد، می‌بایست بسیار مورد توجه قرارگیرد. خداوند در سوره نباء آیه ۹ می‌فرماید (و جعلنا نومکم سباتا) «ما خواب شما را مایه آرامش و آسایش شما

ناراحتی و بالاخره آمادگی برای تجدید فعالیت می‌شود و بهترین وسیله برای آرامش انسان است. همچنین خداوند در آیه ۹۵ سوره مبارکه انعام می‌فرماید (و جعل الليل سكنا) «و شب را مایه آرامش انسان قرار دادیم»، این موضوع مسلم است که انسان در برابر نور و روشنایی تمایل به تلاش و کوشش دارد، جریان خون متوجه سطح بدن بوده و تمام سلول‌ها آماده فعالیت می‌گردند، به همین دلیل خواب در برابر نور چندان آرامش بخش نیست و هر قدر محیط تاریک‌تر باشد، خواب عمیق‌تر بوده و آرامش بخش‌تر است، زیرا در تاریکی خون متوجه درون بدن گردیده و به‌طور کلی سلول‌ها در یک آرامی و استراحت فرو می‌روند و به همین دلیل در جهان طبیعت، نه تنها حیوانات بلکه گیاهان نیز به هنگام تاریکی شب، به خواب فرو می‌روند. در اندیشه‌ی پیامبر (ص) نیز مسائل انسانی محل سکونت، مقدم از سایر مسائل می‌باشد؛ مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا می‌خواهم خانه‌ای بخرم، شما دستور می‌دهید کجا بخرم، در چهینه یا در مزینه و یا در ثقیف و یا در میان قریش؟ پیامبر (ص) به او فرمودند: نخست همسایه‌ها بشناس و سپس به فکر خرید خانه باش (نوری، ۱۴۰۸، ۴۷۰، ص ۳). پیامبر (ص) هنگام ورود به مدینه (و انتخاب آن به عنوان پایتخت و تشکیل حکومت اسلامی) ابتدا مسجدی را بنا نمودند و سپس پیمان برادری بین ساکنان مدینه (انصار و مهاجرین) برقرار کردند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). ایجاد پیمان برادری بین ساکنان یک شهر به عنوان یکی از اولین اقدامات ایجاد یک سکونتگاه با جهان‌بینی جدید، نشان از اهمیت مسائل انسانی و اجتماعی یک سکونتگاه در نظر پیامبر (ص) دارد. در نخستین سال ورود حضرت رسول اکرم به مدینه، یکی از مهمترین ابتکارات مدیریت شهری و پیوند لایه‌های مختلف اجتماعی و طبقات مختلف در شهر مدینه افزون بر پیوندهای وحدت بخش دینی، پیوند عقد اخوت و برادری بین کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد بود. رسول خدا در مجلسی عمومی فرمودند: «تَأخُو فِي اللَّهِ أَخَوِينَ أَخَوِينَ» (آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵). این پیمان برادری همگانی بر مبنای نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر مبنای محوریت حق و همکاری اجتماعی شهری شکل گرفت که به فرموده خداوند متعال «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (ستاری ساربانقلی و ذبیحی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶).

از مواردی که تأثیرات مثبت یا منفی زیادی بر انسان

دارد، می‌توان از همنشین انسان نام برد. به همین دلیل اسلام تأکید بسیاری بر انتخاب همنشینی شایسته دارد. همسایه را نیز می‌توان از همنشینان انسان فرض نمود که تأثیرات زیادی بر انسان می‌گذارد و عدم اهلیت و صلاحیت همسایه، موجب سلب آرامش می‌گردد. بر این اساس، تعالیم اسلام تحقیق درباره‌ی همسایگان را هنگام خرید زمین یا مسکن در اولویت قرار داده است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «قبل از خریدن خانه، بین همسایه‌ها کیستند؟» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۹۱۹، ص ۲). بنابراین با وجود اهمیتی که کالبد خانه و شهر دارد، اولویت به مسائل اجتماعی داده شده است. امام علی (ع) عامل انسانی را مهمترین معیار در محیط مسکونی می‌دانند. ایشان در نامه‌ای به حارث همدانی، وی را برای انتخاب محیط سکونتش اینگونه راهنمایی می‌کنند: «در شهرهای بزرگ مسکن گزین که آنجا مرکز اجتماع مسلمین است، از اقامت در مراکز غفلت و ستمکاری و آنجا که مددکاران بر طاعت خدا اندک‌اند پرهیز» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۷۳۴). در این توصیه، دوری از مراکز غفلت و نزدیکی به اجتماع مسلمین و همجواری با مددکاران بر طاعت خدا، به عنوان مزیت زندگی در شهر معرفی شده است.

مسائل اجتماعی و انسانی مسکن در اسلام

آرامش در مسکن؛ آرامش اعضای خانواده یکی از مهم‌ترین صفات مسکن مطلوب است. یک مسکن مطلوب مسکنی است که بتواند به طور نسبی آرامش جسمی و روانی افراد ساکن را برآورده سازد. انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است که این جهات، ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی است. انسان برای عبادت نیازمند مکانی آرام است تا حضور قلب لازم، برایش فراهم گردد. همچنین یکی از لوازم اصلی تفکر به عنوان فعالیت توصیه شده در فرهنگ اسلامی، وجود فضایی آرام است. مطالعه و کسب دانش و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی نیازمند آرامش است. فراهم آمدن امکان گفتگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن به وجود آرامش بستگی دارد. علاوه بر آن برای انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی دیگر از جمله استراحت و تماس‌های رو در رو با اقوام و دوستان و همسایگان، وجود محیطی آرام ضرورت دارد. ایجاد محیط آرام در مسکن نیز به عواملی همچون مکان‌یابی مسکن نسبت به سایر عملکردها، مصالح مصرفی، سلسله مراتب میان درون و بیرون و غیره، بستگی تام دارد



(سیفیان، ۱۳۸۵). پنج رکن ضروری حیات و ادامه بقا انسان به ترتیب اهمیت عبارت است از هوا، آب، غذا، تأمین آسایش جسم، تأمین آسایش روان که مسکن یا خانه مکان یا کالبدی است که تأمین‌کننده دو رکن آخر، یعنی آسایش جسم و روان خواهد بود. در قرآن کریم خداوند ۴ چیز را مایه آرامش بر شمرده است، در سوره مبارکه انعام آیه ۹۶، تاریکی شب، در سوره مبارکه نباء آیه ۹، نعمت خواب، در سوره مبارکه نحل آیه ۸۰، همسران یکدل و در سوره مبارکه روم آیه ۲۱، خانه‌های مسکونی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶).

حدود همسایگی؛ قرآن کریم، همسایه را سه گونه معرفی می‌کند: «همسایه‌ی نزدیک، همسایه‌ی دور و همسایه‌ی موقت»^۱ و منظور از این دوری و نزدیکی، دوری و نزدیکی از نظر خانه است، در روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده که همسایه را تحدید فرمود به کسی که بین خانه تو و خانه او چهل ذراع، یعنی بیست ذرع فاصله باشد، و در روایتی دیگر تحدید شده به چهل خانه، که احتمال دارد روایت اولی خواسته باشد همسایه‌ی نزدیک را تحدید کند و دومی همسایه‌ی دور را. و همسایه موقت به معنای کسی است که پهلوی آدمی باشد و خانه‌اش دیوار به دیوار آدمی باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۶۲: ۴). بنابراین سفارش درباره‌ی همسایگان دور، در شهرهای کوچک تقریباً تمام شهر را در بر می‌گیرد. اگر خانه‌ی هر انسانی را مرکز دایره‌ای فرض کنیم که شعاع آن از هر طرف چهل خانه باشد، مجموع خانه‌های اطراف آن را تقریباً پنج هزار خانه تشکیل می‌دهد که مسلماً شهرهای کوچک بیش از آن خانه ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۰: ۳).

حسن همجواری؛ واژه‌ی همسایگی در زبان فارسی با توجه به مفهوم «سایه» و تلفیق آن برای دو خانواده یا دو ساختمان همجوار، مفهوم وحدت و یگانگی را در خود مستتر دارد. در فرهنگ اسلامی، همسایگان علاوه بر شخصیت‌های حقوقی، واجد وابستگی‌های عاطفی و اخلاقی نیز می‌باشند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۳۳). همچنین

۱. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا»، «و خدا را بپرستید، و چیزی شریک او نگیرید، و به پدر و مادر احسان کنید، و همچنین به خویشاوندان، و یتیمان، و مسکینان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور، و رفیق مصاحب، و در راه مانده و بردگان که مملوک شمایند، که خدا افرادی را که متبختار و خود بزرگ بینند، و به دیگران فخر می‌فروشند دوست نمی‌دارد» (سوره نساء، آیه ۳۶).

که در اسلام برای پدر و مادر و منسوبان و خویشان حقی است، برای همسایگان نیز از جانب پروردگار حق ثابتی است که آنرا «حق جوار» گویند که هر کس در آن کوتاهی کند گناهکار است (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵). «حق جوار» یا «همسایگی» در اسلام به قدری اهمیت دارد که در وصایای معروف امیر مؤمنان(ع) می‌خوانیم: «آن قدر پیامبر(ص) درباره‌ی آنها سفارش کرد، که ما فکر کردیم شاید دستور دهد همسایگان از یکدیگر ارث ببرند» و در جای دیگر از پیامبر(ص) نقل شده که در یکی از روزها سه بار فرمود: «و الله لا يؤمن، به خدا سوگند چنین کسی ایمان ندارد، یکی پرسید چه کسی؟ پیامبر(ص) فرمودند: کسی که همسایه‌ی او از مزاحمت او در امان نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۱). در روایات معصومین(ع) از همسایه‌ی خوب به عنوان برکت خانه و مایه‌ی سعادت و خوشبختی یاد شده است؛ چنانچه امام علی(ع) فرمودند: «برای هر چیزی شرفی می‌باشد، و شرف خانه در بزرگ بودن صحن خانه و مهمانانی نیکو می‌باشد، برای خانه برکتی می‌باشد که برکت آن در مکان خوب و صحنی بزرگ و همسایگانی نیکوست» (طبرسی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱). پیامبر(ص) خانه‌ی وسیع و همسایه خوب را از سعادت و خوشبختی و همسایه‌ی بد و تنگی خانه را از بدبختی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱). همچنین ایشان در بیان اهمیت احترام به همسایه، آنرا هم‌ردیف احترام به مادر می‌دانند (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ۹۱۷: ۲؛ و طبرسی، ۱۳۸۹، ۲۳۱ و مجلسی ۱۴۰۴، ص ۱۵۴: ۷۳). همچنین می‌فرمایند: «ارزش همسایه به همسایه مانند ارزش خون اوست» (میرزایی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۰). امام صادق(ع) امر به «حُسن همسایگی» فرمودند و آنرا موجب آبادی خانه و محله و موجب افزایش رزق و روزی شمردند (محمدری شهری ۱۳۸۴، ص ۹۱۷: ۲). در فرهنگ اسلامی مشاهده می‌شود که اهمیت داشتن همسایگانی خوب، حتی بیشتر از منطقه‌ی مورد سکونت و یا حتی بیشتر از کیفیت کالبدی خود خانه می‌باشد. داشتن همسایه‌ی خوب در نظر امام علی(ع) به حدی است که به فرزندشان امام حسن(ع) سفارش می‌کند: «پیش از راه از همراه و پیش از خانه از همسایه بپرس» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۶۴۱). و در خطبه «هُمام» ضمن شمردن صفات پرهیزگاران، موضوع زبان نرساندن به همسایه را خاطر نشان می‌کند (همان، ص ۴۳۰). با مشاهده‌ی همه‌ی این توصیفات، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که رعایت آداب و حقوق همسایگی، با

مسلمان بودن گره خورده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «مسلمانی که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مسلمان نیست» (Chapra, 1979, 13).

حدود همسایگی: روابط همسایگی محدود به همسایگان مجاور نبوده بلکه شعاع دورتری را شامل می‌شود. محدوده‌ی همسایگی در روایات تا چهل خانه از اطراف منزل عنوان شده است و این در واقع محدوده‌ی یک محله یا یک شهر کوچک را تشکیل می‌دهد؛ و این یعنی توجه دادن به آداب و رعایت حقوق همه‌ی شهروندان. امام علی(ع) در بیان محدوده‌ی همسایگی می‌فرماید: «حریم مسجد چهل ذراع است و تا چهل خانه از چهار طرف منزل، همسایه به شمار می‌آیند» (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ۹۲۳: ۲). پیامبر(ص) نیز تا چهل خانه را همسایه به شمار آورده‌اند (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ۹۲۳: ۲).

پیامبر(ص) نیز همسایه را به سه دسته تقسیم کرده است: اول همسایه‌ای که مسلمان و خویشاوند است، که او را سه حق بر گردن انسان است، حق خویشی، حق همسایگی و حق برادری. دوم همسایه‌ی مسلمان غیر خویشاوند، که او را حق همسایگی و برادری است و سوم همسایه‌ی غیر مسلمان، که او را حق همسایگی بر گردن است و پیامبر فرمودند: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به همسایه‌ی خود اکرام کند (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵). بنابراین همسایه‌ی مشرک هم حق همسایگی دارد، خواه اهل کتاب باشد خواه نباشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۱۴۱: ۵).

حقوق همسایگی: اسلام برای همسایگی، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی را در نظر گرفته است که آنرا می‌توان در دو اصل مهم خلاصه کرد: روابط مستحکم همسایگی و حفظ حقوق همسایگان (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۵۱ و ۵۲: ۲).

در حدیث نبوی در مورد حقوق همسایه این گونه آمده است: «رسول خدا از اصحاب پرسیدند: آیا می‌دانید حق همسایه را چه اندازه است؟ گفتند: نمی‌دانیم. فرمودند: اگر حمایت خواهد حمایتش کنی و اگر وجهی به او طلبید به او بدهی و اگر فقیر شود، فایده به او رسانی، و اگر مصیبتی به او برخورد، تسلیت گویی و اگر بیمار گردد، از او عیادت و پرستاری نمایی، و اگر بمیرد، جنازه‌ی او را تشییع و همراهی کنی و بنای خانه‌ات را بر او بلند نسازی و چنان بر نیفزازی که حاجب اهتر از نسیم به خانه‌ی او شود، مگر از او اجازت گیری، و رخصتش را منت پذیری و اگر میوه برای خانه‌ی خود بخری برای او هدیه فرست، و اگر توانی هدیه نمود، میوه را پنهانی وارد خانه خود کن و فرزندان به آن بیرون نرود که فرزند او ببند و حسرت برد، و او را به بوی دیگ خود میزاد در وقت ساختن طعام‌های خوشبوی، مگر از آنچه مطبوخ سازی قسمت و بهره‌ای برای او منظور نمایی» (مجلسی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۹۴: ۷۹). علمای اسلامی نیز بر اساس همین تعالیم، به بیان حقوق همسایگی پرداخته‌اند: «در شناختن همسایگی رجوع به عرف می‌شود، یعنی هر که را در عرف همسایه گویند حق همسایگی باید درباره‌ی وی مراعات شود. و از بعضی اخبار مستفاد می‌شود که تا چهل خانه از هر طرف همسایه هستند. و باید دانست که حق همسایه تنها این نیست که به وی اذیت نرسد، که این حقی است برای همه، بلکه باید با او به مهربانی و خیر و نیکی رفتار نمود و اگر خواهد بر دیوار همسایه سر تیر بگذارد مضایقه نکند، و اگر خواهد آب را در ناودان وی جاری سازد مانع نشود، و اگر خواهد از راه مختصّ وی آمد و شد کند تنگ نگیرد، و از اسباب خانه آنچه خواهد دریغ ندارد، و چشم خود را از اهل خانواده‌ی او نگاه دارد و بنای خانه‌ی خود را بدون اجازه‌ی او بلند نگرداند که هوای خانه‌ی او را حبس کند» (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۵: ۲).

جدول ۵. احادیث و قواعد مربوط به مسکن و مکان یابی آن؛ ماخذ: امین پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴۶.

| شماره حدیث | روایات | یافته‌ها | تدوین معیارهای مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان یابی آن (کلان معیارها) |
|------------|---|--|---|
| ۲۷۶۹ | کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان دور شود خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می‌آورد | وحدت و تمرکز یا جامعه شهری و در جامعه بودن. امت واحده اسلامی همراه بودن با جماعت بودن. | مکان یابی مسکن در محله اسلامی |
| ۳۰۲۵ | کسی که در بیابان سکوت کند خشن می‌شود. | توجه به مکان یابی سکونتگاه در شهر و روابط شهری. | |

| | | | |
|--|--|---|------|
| تمرکز و وحدت در واحدهای همسایگی در محله (تمرکز معنایی و شکلی). | توسعه فضاهای مسکونی در شهر. | خدایا گناه مرا ببخش و خانه ام را وسیع گردان. | ۴۹۲ |
| | توسعه فضاهای مسکونی در شهر، حسن سلوک در حیطه خانواده و روابط همسایگی، توجه به ارتباطات شهری. | سه چیز از نعمت های دنیا است. وسیله سواری که خوب راه برود، زن شایسته، خانه وسیع. | ۱۲۸۹ |
| | ملاطمت رفتار و روابط همسایگی بد. | پروردگارا از همسایه بد در خانه ثابت به تو پناه می برم. | ۵۱۴ |
| | رفتار نیک با همسایه و اهمیت فضاهای همسایگی. | شما را نسبت به همسایه سفارش می کنم. | ۹۷۳ |
| | اهمیت حقوق همسایه (حق شفعه). | همسایه خانه سزاوار به خانه همسایه است. | ۱۲۹۸ |
| | حسن سلوک و بهبود رفتار مناسب اجتماعی در فضاهای شهری به خصوص در واحدهای همسایگی. | بنده ای که همسایه اش از شرش در امان نیست، داخل بهشت نمی شود. | ۲۳۳۸ |
| | وحدت با جامعه شهری و در جامعه بودن. همراه بودن با جماعت و اهمیت زندگی اجتماعی | جماعت مایه رحمت و تفرقه مایه عذاب است. | ۱۳۳۳ |
| بهره گیری از طبیعت و پیوند با آن | عمران و آبادانی زمین و مراقبت و محافظت بهینه آن در کلیه فعالیت های مربوط به امور معماری و شهرسازی. | از زمین محافظت کنید زیرا مانند مادر شماس است. | ۱۱۳۰ |
| | اهمیت فضای سبز در سکونتگاه و در منظر و سیمای شهری. | نگاه کردن به سیره بیثباتی را زیاد می کند. | ۳۱۶۰ |
| رعایت قاعده لاضرر و لاضرار | اجتناب از ضرر و زیان در فضاهای شهری و سکونتگاه. رفع موانع از مسیرهای عمومی. | شاخه درختی در راه عبور مردم که مردم را اذیت می کرد سپس مردی آن شاخه را دور کرد به همین دلیل وارد بهشت شد. | ۱۷۶۰ |
| | اجتناب از سد معابر شهری و اذیت شهروندان بوسیله ساخت سکونتگاه. | بدترین جا برای تشنه، بازارها و در راه عبور و مرور مردم است. | ۱۸۰۹ |
| | رعایت قاعده لاضرر و لاضرار در ساخت سکونتگاه و فضاهای شهری. | اذیت و آزار را از راه و مسیر مسلمانان صاف و هموار کن. | ۳۱۲۲ |

برقراری روابط اجتماعی در همسایگی: صبغهی اجتماعی اسلام، ضرورتاً این دین را در عرصه های مختلف اجتماعی و نهادهای وابسته به آن دارای نگرش خاص، دقیق و قابل توجهی نموده است. پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) به امر مدیریت اجتماع و چند و چون آن عنایتی ویژه مبذول داشته و قواعد و قوانین آن را بر مبنای حسن خلق تنظیم و ارائه کرده اند. قرآن، احادیث، نهج البلاغه و ادعیه و دستورالعمل های بزرگان دینی، همه شاهد این مدعا هستند (ربی پور و

صمدی وند، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). اسلام بر تمام کسانی که در همسایگی یکدیگر هستند واجب می داند که نسبت به همدیگر مهربان، مودب، با احترام، قابل اعتماد و مفید بوده و صمیمیت اجتماعی محکمی بین خود برقرار کنند تا هر کدام دارایی، آبرو و زندگی خود را در بین همسایگان محفوظ بدانند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). بسیار روشن است که دنیا، دار حوادث و گرفتاری ها است، چه بسا آدمی در زندگی نیازمند به کمک و محبت همسایه است و بدون عنایت و مهربانی

می برم» (میرزایی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲).

محرمیت در مسکن؛ محرمیت نیز از مهم‌ترین صفات مسکن مطلوب است. مصون بودن فضاهای داخل مسکن از دید بیگانگان، موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته است. در واقع مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده، باید به گونه‌ای مناسب از مشرف قرارگرفتن، در امان باشد. همچنین مورد دیگری که در این رابطه مطرح است، ارتباطات صحیح فضاهای داخل است؛ به گونه‌ای که اولاً غریبه‌ها بر فضای داخل تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده (والدین و فرزندان دختر و پسر) نیز به طریق مناسب از یکدیگر تفکیک شوند. بنابراین محرمیت مورد نظر برای مسکن مطلوب عبارتند از مصون بودن فضای داخل مسکن از دید بیگانگان. برای مثال مکان‌هایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده و فعالیت‌های فردی باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشد، در حالی که اتاق‌های فردی (مثل اتاق خاص والدین) باید از دید سایر اعضای خانواده نیز به دور باشد (نقی زاده، ۱۳۸۴).

ارتباط با طبیعت؛ ارتباط با طبیعت یکی از امکانات مسکن مطلوب است. انسان جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن امکان ارتباط با طبیعت مهیا باشد، تأکید تعالیم اسلام بر تفکر، تدبیر و تعقل در طبیعت و عناصر طبیعی، مبین چنین تأکیدی است. یکی از ارتباطات انسان با عالم وجود، ارتباط انسان با طبیعت است که می‌تواند یکی از معیارهای مهم مسکن مطلوب به شمار آید. علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن (به عنوان مهم‌ترین و بیشترین اثر معماری مستحدثه توسط انسان در زمین) با طبیعت (محیط، عناصر، سیما، مناظر، مصالح، زیبایی‌های طبیعی) ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین انسان از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس نزدیک و مداوم با آن‌ها نیازمند است و این تماس باید در یک سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کوچه، خیابان، محله، شهر و حتی خارج شهر (طبیعت بکر) برقرار باشد.

او قادر بر رفع مشکلات فردی و اجتماعی نخواهد بود و همین احترام متقابل و رعایت حقوق دو جانبه‌ی همسایگی است که موجب می‌شود آدمی در موارد بحرانی و گرفتاری‌ها از ناحیه‌ی همسایه احساس امنیت کند و مشکلاتش را از رهگذر او رفع نماید (یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، ۱۳۶۰، ص ۱۳۹). دارا بودن روابط اجتماعی، رفت و آمد و آگاهی از احوال همدیگر در میان همسایگان وجه تمایز شهر زندگان و شهر مردگان (قبرستان) در نظر امام علی(ع) می‌باشد. ایشان در وصف محیط مردگان می‌فرمایند: «با وطن‌ها انس نمی‌گیرند و چون همسایه‌ها با یکدیگر رفت و آمد نمی‌کنند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۶۸۷۱: ۱۴). پیامبر(ص) عاریه دادن لوازم خانه را نیز جزء همین حقوق بیان نموده‌اند: «... هر کس که از عاریه دادن اسباب خانه به همسایه‌اش-که به آن نیاز دارد- خودداری کند، خدا در روز قیامت او را از فضل خویش محروم سازد...» (حکیمی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۶-۱۵۷: ۵). در قرآن کریم نیز این موضوع بیان شده است.^۲

پرهیز از آزار در روابط همسایگی؛ اساسی‌ترین اصل در مدیریت روابط همسایگی و به تبع آن مدیریت مسائل اجتماعی در شهر، اجتناب از هرگونه آزار و آسیب در همسایگی‌ها می‌باشد. پیغمبر(ص) فرمودند: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد همسایه‌ی خود را آزار نمی‌دهد.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۹۱۹: ۲ و مجلسی، ۱۳۶۵، ص ۹۸). امام صادق(ع) همسایه را همانند خود انسان معرفی می‌کنند که نباید به او ضرر رسانید و نه او را به گناه انداخت (کلینی بی‌تا، ۴۹۰: ۴). پیامبر(ص) در سفارش حق همسایه فرمودند: «هر که همسایه‌ی خود را بی‌آزار بوی بهشت را خدا بر او حرام می‌گرداند، و جایگاه چنین کسی جهنم خواهد بود و بدجائی است. هر که حق همسایه خود را از میان برد از ما نیست. پیوسته جبرئیل مرا درباره همسایگان سفارش می‌کرد که خیال کردم بالاخره همسایه را هم وارث قرار خواهد داد» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۱۳: ۴). پیامبر(ص) در مورد همسایه‌ی بد اینگونه فرمودند: «پروردگارا! از همسایه‌ی بد در خانه‌ی ثابت به تو پناه

۲. در بیان اخلاق منافقان می‌فرماید: «... وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»، «از عاریه دادن اسباب خانه خودداری می‌کنند» (سوره ماعون، آیه ۷).

جدول ۶. معیار همگونی با طبیعت در مسکن مطلوب بر اساس آیات و روایات؛ ماخذ: امین پور، ۱۳۹۶، ص ۴۴۲.

| نشانی آیه | پیام و نکته‌ها | تجلی اصول در کالبد مسکن | توصیه‌های طراحی مسکن بر اساس آموزه‌های اسلامی |
|-------------|--|-------------------------|--|
| توبه آیه ۷۲ | <p>«جَنَاتٍ عَدْنٍ»، طبق روایات، بهترین و شریف‌ترین منطقه‌ی بهشت و جایگاه پیامبران و صدیقان و شهداست، منطقه‌ای که از نظر خوبی، به خیال کسی خطور نکرده است.</p> <p>«خداوند به اهل نفاق، «نار جهنم» وعده داده، اما به اهل ایمان «جَنَاتٍ، مسکن».</p> <p>«جَنَّت» به باغهای دنیا نیز گفته می‌شود (بقره آیه ۳۵).</p> <p>«بزرگ‌ترین امتیاز بهشت، خلود در آن و جاودانگی نعمت‌های آن است.» «خالدین فیها».</p> <p>«زندگی آخرت تنها معنوی نیست، بلکه مادی و جسمانی است.» «جَنَاتٍ، مسکن طَبِیئَه».</p> <p>«مسکن خوب، وقتی ارزشمند است که در منطقه‌ی خوب باشد.» «مسکن طَبِیئَه فی جَنَاتِ عَدْن».</p> <p>«از تمایلات طبیعی انسان به آب، سربسزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده کنیم.» «وعدالله... جَنَاتِ تجری من تحتها الاتهار...».</p> <p>«لذت‌های معنوی، بالاتر از لذت‌های مادی بهشت است.» «رضوان من الله اکبر».</p> <p>«بهشت نیز درجات و مراتبی دارد.» «جَنَاتِ تجری، جَنَاتِ عَدْن و رضوان من الله اکبر».</p> | <p>رعایت اصل طبیعت</p> | <p>– بهشت حد والای طبیعت است.</p> <p>– براساس آیه ۳۵ سوره بقره، بهشت، مسکن اولیه بشر و خانه اخروی مومنین است.</p> <p>– بکارگیری توصیفات بهشتی در خانه برای آرامش و آسایش.</p> <p>– منظر و دید مناسب برای رؤیت آسمان در فضای مسکنی که امکانش وجود دارد</p> <p>– اهمیت دید در شب مسکن با معیارهای زیباشناسی.</p> <p>– لزوم دیده شدن ستارگان آسمان در شب.</p> <p>– دیدن نزول آب باران از آسمان برای ساکنین.</p> <p>– صحنه‌پردازی‌های هنری در فضای مسکن مرتبط با مفهوم مسکن و زیبایی فضای مسکن و صحنه‌پردازی طلوع و غروب (ایجاد فضای ذکر).</p> |

- امنیت مسکن؛ امنیت در مسکن یکی دیگر از مهم‌ترین صفات مسکن مطلوب است. انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن احساس امنیت و ایمنی نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خود فراهم سازد. این امنیت اعم از امنیت در مقابل بلاها و سوانح طبیعی و غیر طبیعی، امنیت در مقابل تجاوزات سایر آحاد جامعه، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی و سایر جنبه‌های امنیت به شمار می‌رود و در جهت تأمین امنیت، منظور داشتن عوامل زیر توصیه می‌شود:
۱. مکانیابی مناسب مسکن نسبت به سایر عملکردهای شهری؛
 ۲. انتخاب مصالح مناسب که الزاماً مصالح گران قیمت نیستند؛
 ۳. اتخاذ روش‌های مناسب ساخت؛
۴. پیش بینی تمهیدات لازم برای تقلیل خسارت به هنگام وقوع سانحه؛
 ۵. مکان یابی مناسب مسکن در ارتباط با عملکرد مولد انواع آلاینده‌ها به ویژه آلودگی هوا و آلودگی صوتی.
- یک مسکن مطلوب، باید شرایط مناسب برای رسیدن به یک خواب مطلوب را مهیا سازد:
۱. تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی از هم؛
 ۲. امکان خواب در امتداد قبله به جهت قرار گرفتن راستای گردش خون در راستای میدان مغناطیسی زمین؛
 ۳. ایجاد فضایی به دور از آلودگی‌های صوتی و بصری؛
 ۴. ایجاد فضایی متعادل از لحاظ درجه حرارت مطلوب، رطوبت و غیره می‌تواند راهکارهایی برای خلق چنین فضایی باشد.

| | | | |
|--|----------------------------------|--|--------------------------------|
| <p>– مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. – آرامش بخشی مسکن. – داشتن فضای مناسب در ابتدای ورود به مسکن.</p> | <p>رعایت اصل عدم اشرف</p> | <p>– ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...» – حق آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا صلی الله علیه وآله. «لا تدخلوا بیوت النبی» – بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) «بیوت النبی... الی طعام» – صاحب خانه حق دارد به کسی اذن ورود ندهد. «الا ان یؤذن لکم» – اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصاً اجازه بدهد. («یؤذن» به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود). – نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. «فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن».</p> | <p>احزاب آیه ۵۳</p> |
| <p>– اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. – ایجاد همجواری مطلوب بین مساکن. – ارتقا و بهبود روابط همسایگی. – در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم. – روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری.</p> | <p>رعایت اصل همجواری</p> | <p>– اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران «رابطوا». – صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی قرار گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند «صابروا و رابطوا و اتقواالله». – اسلام دین جامعی است، صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است «اصبروا... رابطوا».</p> | <p>آل عمران آیه ۲۰۰</p> |



مصادیق کالبدی رعایت حقوق همسایه

بی‌شک وجود انسان دارای دو بعد است، بعد فردی و بعد اجتماعی و به همین دلیل دارای دو نوع زندگی است، زندگی خصوصی و زندگی عمومی. انسان ناچار است در محیط اجتماع، قیود زیادی را از نظر لباس پوشیدن، طرز حرکت، رفت و آمد و غیره تحمل کند، ولی پیداست که ادامه این وضع در تمام مدت شبانه‌روز خسته‌کننده و دردسرافزین است او می‌خواهد مدتی از شبانه‌روز را آزاد باشد، قید و بندها را رها کرده و به استراحت بپردازد، با خانواده و فرزندان خود، به گفتگوی خصوصی بنشیند و به همین دلیل به خانه خصوصی خود پناه می‌برد و با بستن درها به روی دیگران زندگی خویش را موقتاً از جامعه جدا می‌سازد. در تمدن اسلامی صفتی از خانه‌ها که مورد تأیید و نظر بوده و در عمل خانه‌ها با توجه به آن شکل می‌گرفتند، سکون و آرامش است. در احادیث به مصادیقی از رعایت حقوق همسایه اشاره شده است که در ارتباط با کالبد مسکن می‌باشد، مانند؛ عدم ممانعت از جریان هوا

به خانه‌ی همسایه، عدم آزار با بو یا دود، رعایت حریم ارضی، حکم شَفَعَه و عدم اشرف به خانه‌ی همسایه. **ساختن خانه و مسیر باد؛ پیامبر(ص)** یکی از حقوق همسایه را نگرفتن جلوی وزش باد به خانه وی برشمرده است: «خانه‌ی خود را نسبت به خانه‌ی همسایه چنان بلند مساز که اگر بلند ساخته باشی، جلوی وزش باد به خانه‌ی او را خواهی گرفت» (مجلسی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۹۴: ۷۹ و محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۹۲۳: ۲). بنابراین حق بهره‌مندی از وزش باد به عنوان یکی از معیارهای حقوقی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح می‌شود که در طراحی معماری بناها و طراحی شهری و جهت‌گیری گذرها و محله‌ها باید به آن توجه گردد.

حریم بویایی و ممانعت آن به خانه همسایه: از موارد رعایت حقوق همسایه اذیت نکردن به وسیله بوی پخت و پز در آشپزخانه است. در روایاتی که حقوق همسایه را برشمرده‌اند، بر نرسیدن بوی غذای آشپزخانه به همسایه‌ها تأکید شده است به طوری که از رسیدن بوی غذا به

خانه‌ی همسایه به عنوان آزار و اذیت یاد شده است. پیامبر می‌فرماید: «با بوی غذایت همسایه را اذیت مکن مگر آن که کاسه‌ای را هم به او بدهی» (مجلسی، ۱۴۱۰ه.ق، ص ۹۴: ۷۹).

عدم اشراف به خانه همسایه: حفظ حریم خصوصی از نگاه‌های بیگانه بسیار تاکید شده است و از کنجکاو و نگاه به حریم خصوصی دیگران نهی شده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «هر کس پیش از اینکه با پا وارد حریم دیگران شود، با نگاه وارد حریم ایشان گردد، خدا برای او نخواهد ساخت و او گناهکار است، باز هم او گناهکار است» (نوری، ۱۴۰۸، ۶۶۵: ۳). بر اساس متون فقهی، احاطه و اطلاع بر حریم خصوصی همسایگان از طریق ساختن بالکنی که مُشرف بر خانه‌ی همسایه باشد، حرام و خلاف شریعت اسلام است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ص ۲۴۴: ۲۶). به عقیده فقهای اسلام، برای جلوگیری از تجاوز بصری به حریم خانه، می‌بایست هر عاملی را که باعث در معرض دید قرارگرفتن فضای داخلی خانه می‌شود، حذف نمود. در این مورد احکام مختلفی در رابطه با طراحی سه عنصر خارجی (درب ورودی، پنجره و ارتفاع) که می‌تواند منجر به تعدی بصری به حریم خصوصی خانه گردد، صادر شده است. محل نصب درب‌های ورودی خانه‌ها، باید با رعایت اصل صیانت از زندگی خصوصی و اطمینان از عدم آسیب به حریم خصوصی همسایه تعیین گردد. از نظر فقهای اسلامی، این درب‌ها نبایستی روبروی هم باز شوند تا امکان دید مستقیم به هم نداشته باشند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷).

احترام به حقوق همسایه: مرعی داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان تأثیری به سزادر شکل‌گیری مسکن مطلوب و ارتباط‌های مسکن مطلوب نسبت به یکدیگر نخواهد داشت. این به آن معنا است که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد خانواده را فراهم می‌آورند، از بروز مزاحمت‌های بصری، صوتی، روانی و امثال آن پیشگیری می‌کنند.

احترام به حریم خانواده: خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ارتباط‌هایی با اعضای خود و با جهان خارج دارد. هر یک از این ارتباط‌ها، نیازمند فضایی مناسب برای فعالیت‌های فردی و جمعی است که در مسکن رخ می‌دهد. رابطه این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسب آن‌ها با ویژگی‌ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح است و همچنین تناسب آن با فعالیت‌های مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب

می‌نماید. بنابراین مسکن مناسب شرایط مناسب را برای زیستن ساکنین خویش به عنوان یک واحد بنیادین اجتماعی (خانواده) فراهم می‌آورد.

رعایت حقوق ارضی در همسایگی؛ حریم و محدوده‌ی اجتماعی همسایگی، تاچهل خانه از هر طرف ذکر شده است، اما مسائل حقوقی، در ارتباط با همسایگان مجاور می‌باشد. «اسلام برای حق مالکیت مسلمانان نیز حق امنیت قائل شده است. قرآن دست درازی در اموال و زمین دیگران را ممنوع می‌داند» (Mawdudi, 1990, 24). پیامبر(ص) فرمودند: «هر کس به یک وجب از زمین همسایه‌ی خود خیانت و تجاوز کند، خداوند متعال آنرا در روز قیامت به صورت طوقی آتشین در گردنش افکند و تا هفت زمین بچرخاندش و سپس او را وارد آتش دوزخ کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۶۴۹۷: ۱۱). همچنین ایشان می‌فرمایند: «هر که همسایه‌اش را به طمع تصاحب مسکنش اذیت کند، خدا نیز خانه‌اش را به میراث وامی‌گذارد» (نوری، ۱۴۰۸، ص ۴۶۸: ۳).

وحدت خانواده؛ طبیعی است که تعبیر مسکن، منحصر به شکل داخل بنای سکونت نبوده، عواملی را نیز که در ارتباط با سکونت هستند (از جمله امکانات و خدمات شهری، حتی اثرات روانی اشکال، رنگ‌ها، تناسبات و غیره) را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین می‌توان یکی از مظاهر مسکن مطلوب را در فقدان قطب‌بندی و تضاد بین خدمات در دسترس واحدهای مسکونی و حتی محلات همجوار قلمداد کرد. به عبارت دیگر بین محلات شهر (و در نتیجه بین اهالی آن) نباید در دسترسی به امکانات عمومی تبعیضی وجود داشته باشد. وجود تبعیض و بی‌عدالتی در توضیح امکانات و دسترسی مردم به آن‌ها عاملی مهم در جهت خدشه به وحدت جامعه و بروز تضاد و دوگانگی بین مردم خواهد بود و بالعکس رفع تبعیض و قطب‌بندی شهر و گرایش به سمت عدالت، زمینه را برای تقویت وحدت و همبستگی جامعه فراهم خواهد نمود. مورد دیگری که در تقویت وحدت جامعه مهم است، توجه متعادل به هویت جمعی و هویت فردی جامعه و آحاد آن؛ در این زمینه نیز رجحان هویت جمعی به هویت فردی، امری است که مقوم وحدت و یکپارچی جامعه خواهد شد.

فروش خانه و حق شَفَعه: همان‌گونه که لازم است

۳. حق شفعه عبارت است از حق همسایه یا شریک برای خرید ملک یا ساختمان به هنگام فروش توسط همسایه یا شریک (حکیم ۱۳۸۱، ۴۱).

انسان، هنگام انتخاب زمین یا خانه درباره محل و همسایگان تحقیق کند، هنگام فروش منزل یا زمین نیز مراعات همسایه ضروری است؛ بدین سبب اسلام تأکید می‌کند برای فروش خانه، همسایگان در اولویت‌اند تا مبادا خانه به فردی فروخته شود که اسباب اذیت و آزار همسایگان را فراهم سازد. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «زمانی که هر یک از شما اراده می‌کند زمین یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به همسایه‌ی خویش پیشنهاد دهد.» (میرزایی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹)، همچنین می‌فرماید: «همسایه خانه در خرید خانه یا زمین همسایه مقدم است.» (ابن ابی‌جمهور، ۱۳۶۲، ۵۸: ۱). و این کار برای مدیریت همگنی اجتماعی محل سکونت و جلوگیری از تخریب آن انجام می‌شود.

مهمان در مسکن اسلامی

مهمان‌داری در اسلام، هم شامل ارحام و خویشان است و هم شامل برادران دینی، که این کار برای صحبت در زمینه‌ی معارف دینی و منزلت اهل‌بیت(ع) و در خانه‌های مومنان انجام می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: «در خانه‌هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار، امر ما را زنده می‌کند. رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده کند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۷۹: ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۴: ۲). و در جای دیگر اینگونه آمده است: «سلام ما را به دوستان و موالی ما برسان و آنها را به تقوای الهی سفارش فرما... و اینکه در خانه‌هایتان با یکدیگر ملاقت کنید و با یکدیگر راجع به علوم دینی مذاکره و گفتگو کنید، چرا که با این کار، امر ما اهل بیت زنده و پویا می‌شود، خداوند بنده‌ای که امر ما اهل بیت را احیا کند، رحمت فرماید.» (نوری، ۱۴۰۸، ص ۳۰۰: ۱۷). پس خانه‌ای که در آن با آداب سفارش شده‌ی اسلامی زندگی می‌شود، به کانون دیدار بین دوست‌داران اهل‌بیت(ع) با هدف احیاء امر ایشان و صحبت در فضائل ایشان تبدیل می‌شود و لازمه‌ی آن، داشتن فضای متناسب با این عملکرد می‌باشد، بدون اینکه به فضای خصوصی خانه و حریم‌های آن آسیبی وارد شود. مدیریت روابط اجتماعی مربوط به مسکن، علاوه بر همسایگان، شامل بستگان نیز می‌گردد. در آداب زندگی اسلامی سفارش زیادی به انجام صله‌ی رحم و مهمانی رفتن و مهمانی دادن شده است و از ترک این سنت اسلامی نهی شدیدی شده است. قرآن کریم درباره‌ی قطع رابطه با خویشان می‌فرماید: «و از خدای پروا کنید و از قطع رابطه با خویشاوندان بپرهیزید.» پیامبر اکرم(ص) به میهمان بسیار علاقه داشتند و خانه حضرت میهمان‌خانه‌ای

برای یاران و اصحاب ایشان بود و می‌فرمودند: «هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید مهمانش را گرمی دارد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷۳: ۷). و نیز می‌فرمودند: «برای هر چیزی زکاتی وجود دارد و زکات خانه (ساختن و آماده کردن) اتاق میهمان است.» (میرزایی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹). پیامبر(ص) در نکوهش خانه‌ای که مهمان به آن وارد نمی‌شود می‌فرماید: «هر خانه‌ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی‌شوند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷۳: ۷) و خانه‌ای که فرشتگان واردش نشوند، خیر و برکت داخلش نمی‌شود. امام علی(ع) مهمان را شرف‌خانه شمردند و فرمودند: شرف خانه در بزرگ بودن صحن خانه و مهمانانی نیکو می‌باشد (طبرسی، ۱۳۸۹، ۲۳۱). ایشان در بیان حقوق مهمان‌داری می‌فرمایند: «هر که خداوند به او ثروتی دهد، باید با آن به خویشانش رسیدگی کند و مهمان‌داری نماید» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷۳: ۷). این سنت اسلامی به‌حدی سفارش شده که پیامبر(ص) فرمودند: «سفارش می‌کنم امت حاضر و غائب را تا روز قیامت، که صله رحم کنند، اگر چه به فاصله‌ی یکسال راه باشد، زیرا صله رحم جزء دین است» (کلینی، بی‌تا، ص ۲۲۱: ۳). بنابراین برای انجام این دو سنت اسلامی، وجود فضای مناسب و کافی در خانه لازم می‌نماید. و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا (نحل: ۸۳) «خداوند خانه‌هایتان را مایه آرامش برای شما قرار داد» اسم مکان از این صفت، یعنی مسکن، که بر همین خصوصیت از محل زندگی خانواده دلالت دارد، چندین مرتبه در قرآن آمده و در فارسی نیز به همین معنا به کار می‌رود. مقام آرامش، یا به زبان قرآن سکینه و طمئنینه در افق اسلامی و جلوه‌های گوناگون آن در زندگی روزانه هر مسلمان با یادآوری این که، کلمه اسلام به عنوان نهایت و تمامیت دین، خود از ریشه سلم به معنی آشتی و آرامش است، بارزتر می‌شود. نیز از این رو در معماری کوشش برای ساختن فضاهای آرام منحصر به خانه‌ها نگردیده، بلکه هر نوع بنای دیگر در شهرهای اسلامی را در بر گرفته است. برای این که خانه‌ها، به واقع مظهر و مایه آرامش شوند معماران گذشته تدابیر گوناگونی را در کار داشته‌اند. با طرح خانه‌ها به صورت درون‌گرا و رو به درون، که در بیشتر نقاط ایران مصداق یافته، امکان اشراف و احاطه از بیرون خانه به درون آن منتفی گردیده است و همچنین مرکز خانه از هیاهوی کوچه و بازار در امان مانده و به این ترتیب با انفکاک و استقلال خانه از محیط و بناهای پیرامون خود، آرامش برای اهل خانه به ارمغان آمده است.

جدول ۸. معیارهای مسکن مطلوب بر اساس آموزه های اسلامی؛ ماخذ: امین پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۶.

| معیارهای ده گانه مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان یابی آن (کلان معیارها) | توضیحات معیارهای سکونتگاه مطلوب (خرد معیارها) |
|---|--|
| تمرکز و وحدت در توده مسکن و واحدهای همسایگی | <ul style="list-style-type: none"> - بافت فشرده و متراکم (تجمیع سکونتگاه و کاربر). - کاربرد الگوهای درونگرا (ایجاد مرکزیت و وحدت در مسکن بوسیله حیاط مرکزی). - وحدت کارکردی در کالبد مسکن. - بافت و شکل متمرکز. - هارمونی و وحدت بدنه ها و نماها با هندسه فضاهای حرکتی. - جهت گیری مشترک کالبدی. - تمرکز معنایی و شکلی (عدم ایجاد پراکندگی گونه ها). - خلق هندسه زیبا که تداعی سیر از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت تداوم می بخشد. |
| بهره گیری از طبیعت و پیوند با آن | <ul style="list-style-type: none"> - طراحی حوض آب در بنا. - طراحی فضاها و بدنه های سبز در بنا. - بهره گیری از نور طبیعی بوسیله رواق ها، بازشوها، مشبکها و .. - جهت گیری مناسب معابر و روزن ها برای بهره مندی از باد معتدل. - سودمندی از نور مناسب طبیعی جهت نمادپردازی برای هدایت کننده و زینت بخش فضاها. - تنوع در بافت. |
| قاعده لاضرر و لاضرار | <ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از اشراف متقابل سکونتگاه ها با ایجاد سلسله مراتب و .. - پرهیز از هر گونه تجمل و خودنمایی و اشراف در نمای مسکن. - اجتناب از اذیت و مزاحمت های همجواری واحدهای همسایگی و فضاهای حرکتی. - مخفی بودن دستشویی و فاضلاب و .. |
| مکان انتخاب شده مسکن باید فرصت احقاق نیازهای معنوی و مادی را فراهم نماید | <ul style="list-style-type: none"> - طراحی فضاهای مناسب و زیبا برای عبادت و تکریم مهمان. - حسن همجواری. - تعلق مکانی. - ظرفیت عبادی سکونتگاه. |
| سلسله مراتب | <ul style="list-style-type: none"> - عرصه بندی فضاهای داخلی و تفکیک آنها از فضاهای خارجی. - انتظام فضایی دین مدار و شریعت محور بوسیله سلسله مراتب. - محوربندی و ارزش گذاری فضاها بوسیله سلسله مراتب. |
| پاکی و طهارت | <ul style="list-style-type: none"> - اجتناب از آلودگی ها با تنظیم ارتفاع و جهت معابر. - حضور آب در بنا به عنوان مظهر پاکی. - مخفی بودن سرویس ها و فاضلاب و آبریزگاه ها و .. |
| حریم | <ul style="list-style-type: none"> - رعایت حریم بوسیله درون گرایی و سلسله مراتب و عرصه بندی فضاهای داخلی و خارجی و سازماندهی منطقی آن ها. |
| امنیت | <ul style="list-style-type: none"> - عدم اختلاط فضاهای عمومی - خصوصی. - حریم کالبدی معنایی. - فراهم نمودن آرامش و امنیت (فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و ..) با مکان یابی مسکن در اماکن اسلامی. |

در فرهنگ تعالیم اسلامی، «مساله‌ی حریم شخصی» در محیط خانه به معنای محدوده تدافعی در برابر جامعه نمی‌باشد، بلکه تعالیم اسلامی، انسان مومن را موظف به پذیرش دیگران در قالب مهمان و شریک نمودن ایشان در حریم شخصی خانه می‌نماید. خانه‌ی بزرگان دین جای پذیرایی از مهمان بود و در سیره‌ی ایشان می‌توان قسمت مخصوص پذیرایی از مهمان را در خانه‌شان مشاهده نمود. در خانه‌ی حضرت خدیجه (س)، فضاهایی برای اهل خانه و فضاهایی برای مهمان در نظر گرفته شده بود و در تقسیم‌بندی فضاهای آن می‌توان بخش‌هایی مانند مکان تجارت حضرت خدیجه (س)، اتاق پیامبر (ص)، اتاق نماز، اتاق خصوصی، محل استقبال از بزرگان قبائل و مهمانان را مشاهده نمود (قربانی، بی‌تا، ۴۸). البته زمانی این کار امکان دارد که خانه از وسعت کافی و در حد نیاز آن خانواده برخوردار باشد. زمانی که امام علی در بصره جهت عیادت یکی از یارانش وارد شد، چون خانه‌ی او را وسیع دید فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی و حال آنکه در آخرت به خانه‌ی گسترده محتاج‌تری؟ آری اگر بخواهی به وسیله این خانه به منزل وسیع آخرت برسی در این خانه میهمانی کن، صله رحم به جای آور، و حقوقی را که خداوند بر عهده‌ات گذاشته در جای خود پرداخت کن» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۴۵۹).

نمودار ۲. نتایج بکارگیری مضامین مورد نظر در احادیث پیامبر اسلام در کیفیت مسکن؛ ماخذ: امین پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۷.



نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برای بررسی و اظهار نظر در مورد ویژگی‌های هر پدیده‌ای در جهان، روش‌های گوناگونی مطرح است که عمدتاً از اصول حاکم بر جهان بینی و باورهای جامعه نشات می‌گیرند. شاید با اندکی تسامح بتوان روش‌ها را در دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد: گروهی که هر پدیده، مفهوم و عنصری را در جهان به صورت انتزاعی و منفک از دیگران و تنها با توجه به کارکرد، ارزش‌ها و هویتی که بر آن مرتبط است مورد بررسی قرار می‌دهند، و گروهی که آن‌ها را در ارتباط با سایر پدیده‌ها، اجزاء عناصر، مفاهیم

و با کل‌های موجود در جهان و نهایتاً با توجه به هدف غایی عالم هستی مورد توجه قرار می‌دهند. پایه اعتقادی گروه دوم، عمدتاً بر پایه وحدت‌گرایی کاینات که از وحدانیت خالق سرچشمه می‌گیرد استوار است. در این تفکر هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان به صورت مجزا و جدای از سایر اجزاء عالم وجود مورد بررسی قرار داد، به ویژه موضوعاتی که به انسان مربوط است، چرا که هدف غایی خلقت کمال انسان است و ارزش و اعتبار و مطلوبیت هر پدیده به میزان تأثیری که آن پدیده در جهت رسیدن انسان به کمال خواهد داشت سنجیده می‌شود و لذا در یک نگاه کلی می‌توان عنوان نمود که مسکن مطلوب مسکنی است که: ۱. بر پایه انسان و بر پایه ارزش‌های انسانی شکل گرفته باشد. ۲. تجلی‌گاه ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد. ۳. تأمین‌کننده آرامش و آسایش انسان باشد.

مسکن مطلوب، مسکنی است که بتواند هر چه بیشتر انسان را در راه نیل به هدف غائی خلقت، یعنی کمال، یاری رساند و هر قدر در این مسیر مؤثرتر باشد، از درجه مطلوبیت بیشتری برخوردار است: ۱. انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی، سکنی گزیند که در آن احساس آرامش و آسایش نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند آسایش و آرامش یک خانواده را فراهم آورد. ۲. انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن احساس امنیت و ایمنی نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خود فراهم سازد. ۳. انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن احساس محرمیت نماید. ۴. انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن امکان ارتباط با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسان و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها فراهم باشد. در کل، در قالب یک جمع بندی می‌توان برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت دو دسته ویژگی اصلی را مطرح کرد، دسته اول مشتمل بر ویژگی‌های اثباتی که مرئی داشتن آن توصیه می‌شود و دسته دوم ویژگی‌های سلبی هستند که حذف و یا عدم اجاره به ظهورشان ضرورت دارد لازم به ذکر است که هر دوی این ویژگی‌های اثباتی و سلبی نیز به نوبه خود مشتمل بر مقولاتی جزئی‌تر هستند که از جمله آن‌ها عبارتند از:

۱. صفات مسکن شامل آرامش، آسایش، امنیت، محرمیت و امثال آن می‌گردد؛

۲. امکانات مسکن که ارتباط انسان با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها و غیره را شامل می‌شود؛
۳. انتظارات از مسکن و تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی، مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی احترام به حقوق دیگران، کمک به وحدت جامعه و امثال آن به شمار می‌رود که در ادامه سعی می‌گردد برخی از صفات و امکانات مسکن مطلوب مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه المیزان.
۲. نهج البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی ابن ابیطالب). (۱۳۷۸) ترجمه حسین انصاریان. تهران: پیام آزادی.
۳. آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶) تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۳۶۲) عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: انتشارات سید الشهداء علیه السلام.
۵. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۵) مکتب اصفهان، اعتلا و ارتقاء مفهوم دولت، نشریه‌ی صفة. ۶ (۲۳) صص. ۱-۱۴.
۶. حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۶) مرمت شهری. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵) لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۰) تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۹. نقی‌زاده، محمد؛ (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر شناسایی معضلات طراحی در بافت‌های تاریخی شهرها، مجموعه مقالات سمینار تخصصی بافت‌های شهری، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۰. نقی‌زاده، محمد، (۱۳۴) تاملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، مجله هنر ماه، شماره ۱۷۰، آبان ۱۳۹۱، صص ۵۴-۳۸.
۱۱. امین پور، احمد و دیگران (۱۳۹۴) بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه‌های اسلامی، مدیریت شهری، شماره ۴۰.
۱۲. اهری، زهرا، حبیبی، سیدمحسن، خسرو خاور،

۲۳. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۶۹) واحد همسایگی. نشریه علمی پژوهشی صنف، شماره ۱.
۲۴. جاسبی، عبدالله. (۱۳۷۳) اصول و مبانی مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.
۲۵. جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۱) مفاتیح الحیات. قم: مرکز نشر اسراء.
۲۶. حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱) شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۰) الحیات. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۴۶) اخلاق ناصری. تصحیح: ادیب تهرانی. سازمان انتشارات جاویدان.
۲۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. ربی پور، محمدعلی و منوچهر صمدی‌وند. (۱۳۸۸) سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج البلاغه. مجله فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۸، ۱۴۰-۱۱۹.
۳۱. ربی پور، محمدعلی و منوچهر صمدی‌وند. (۱۳۸۹) اخلاق مدیریت از منظر آیات و روایات. مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۹، ۲۲۸-۲۱۱.
۳۲. ستاری ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸) نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم(ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی. مجله فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰، پائیز، ۱۴۶-۱۰۵.
۳۳. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۳). آسیب شناسی مشکلات مسکن در ایران. نشریه علمی پژوهشی صنف، شماره ۳۹.
۳۴. شیخ صدوق [ابن بابویه]، محمد بن علی. (۱۳۶۳) من لایحضره الفقیه. مقدمه و تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۳۵. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. (۱۳۶۲) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. محقق: عباس قوچانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. طباطبایی [علامه]، محمد حسین. (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی.
- فرهاد. و ارجمند نیا، اصغر. (۱۳۶۷) «مسکن حداقل»، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۳. پاکدل فرد، محمدرضا، ذبیحی، حسین. و نقی زاده، محمد. (۱۳۹۴) مدیریت مولفه‌های اجتماعی و انسانی در مسکن مطلوب اسلامی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۳، صص ۶۶-۵۱.
۱۴. خوش فر، غلامرضا. (۱۳۷۴) کاربرد شاخص‌های اجتماعی در توسعه مسکن، مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم.
۱۵. روستایی، شهریور، احدنژاد، محسن، اصغری زمانی، اکبر. و زنگنه، علی رضا. (۱۳۹۰) بررسی شاخص‌های کالبدی- اجتماعی مسکن در تعیین بلوک‌های فقیرنشین با استفاده از مدل تحلیل عاملی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۱۵۶-۱۴۱.
۱۶. غنی، امید رضا. و فرهنگی منش، ساسان. (۱۳۷۴) پیش بینی وضع مسکن در نقاط شهری استان گیلان، مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم.
۱۷. فرهنگی منش، ساسان. (۱۳۷۴) مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۸. محمدی، کاوه. و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۰) «بررسی وضعیت شاخص‌های مسکن در شهر سردشت استان آذربایجان غربی»، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۷، ملایر، ۱۱۰-۸۷.
۱۹. محمدی، کاوه. و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۰) «بررسی وضعیت شاخص‌های مسکن در شهر سردشت استان آذربایجان غربی»، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۷، ملایر، ۱۰۱-۸۷.
۲۰. ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی. (۱۳۷۱ه ق) المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. الحرالعاملی، شیخ محمد بن حسین. (۱۴۱۳ه ق-۱۹۹۳م) وسائل الشیعه. بیروت: موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۲۲. بابائی طلائی، محمدباقر. (۱۳۸۶). مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی. مجله علوم مدیریت، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۶، ۸۰-۲۳.

- مجموعه ۲۰ جلدی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. اسماعیل پور، نجما، (۱۳۸۹) بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاههای غیررسمی و آرایه راهبردهای ساماندهی آنها (نمونه موردی: محله حسن آباد یزد)، شماره چهارم، سال اول، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای
۳۸. قرخلو، مهدی و هاشمی، هادی (۱۳۸۵) شاخص های توسعه پایدار شهری، شماره هشتم، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای
۳۹. ملکی، سعید و شیخی، حجت (۱۳۸۸) بررسی نقش شاخصهای اجتماعی مسکن در سطح استانهای کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی، نشریه مسکن و محیط روستا
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰) ترجمه تفسیر مجمع البیان. ترجمه هاشم رسولی و دیگران. تهران: فراهانی.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۹) مکارم الاخلاق. ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی. قم: صبح پیروزی.
۴۲. عثمان، محمد عبدالستار. (۱۳۷۶) مدینه اسلامی. ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴۳. فارابی، ابونصر محمد. (۱۳۸۸) فصول منتزعه. ترجمه و شرح حسن ملکشاهی. تهران: انتشارات سروش.
۴۴. قربانی، رحیم. بی تا. شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی. به کوشش مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری، با همکاری پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۵. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. بی تا. اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. مجموعه ۴ جلدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۴۶. مجلسی [علامه]، محمدباقر. (۱۳۶۵) ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار: در آداب و سنن. مصحح: محمد بهشتی. محقق: محمد باقر کمره ای. تهران: اسلامیه.
۴۷. مجلسی [علامه]، محمدباقر. (۱۴۰۴هـ) بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
۴۸. مجلسی [علامه]، محمدباقر. (۱۴۰۴هـ) بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۴۹. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴) میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. مجموعه ۱۴ جلدی. قم: دارالحدیث.
۵۰. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۳۸۶) احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگی پاک. ترجمه سید یاسر قزوینی. قم: محبان الحسین.
۵۱. مرتضی، هشام. (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۳. میرزایی، علی اکبر. (۱۳۸۶) نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار پیامبر (ص)). قم: انتشارات چاف.
۵۴. نراقی، احمدین محمد مهدی. (۱۳۸۶) معراج السعاده. مصحح: موسوی کلانتری دامغانی. تهران: پیام آزادی.
۵۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر. (۱۳۷۷) علم اخلاق اسلامی: ترجمه کتاب جامع السعادات. ترجمه جلال الدین مجتوبی. تهران: حکمت.
۵۶. ناری قمی، مسعود (۱۳۹۳) الگویی برای تنظیم رفتار در فضای معماری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۸.
۵۷. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
۵۸. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷) شهر و معماری اسلامی. اصفهان: مانی.
۵۹. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
60. Sharipah, N. (2011). "Quality Affordable Housing: A Theoretical Framework for Planning and Design of Quality Housing", Journal of Techno-Social
61. Brown, Kenneth. 1986. The Use of a Concept: The Muslim City, Middle Eastern Cities in

65. Mawdudi, S.A. 1990. Human Rights in Islam. Leicester: The Islamic Foundation.
66. Quraishi, M. Tariq, (1984), A Way of Life and a Monument, Indianapolis: American Trust Publication.
67. Rabie, Hamid. (1981). Islamic and the International Forces. Cair: Dar Elmoqif El-Arabi.
68. Rapoport, Amos, (1969), House Form and Culture, Englewood Cliffs N.J. : Prentice Hall.
69. White, S. B., (1988), Housing, Urban planning, Edited by J. Catanese and J. Snyder, McGraw-Hill Book Company..
- Comparative Perspective. edited by k.Brown, Peter Sluglett, and Sami Zubaida, Franco British Symposium. London: Ithaca Press.
62. Chapra, M.umar. 1979. The Islamic Welfare state and its Role in the Economy. Leicester: The Islamic Foundation.
63. Hakim, Basim Salim. 2002. Arabic-Islamic Cities; Building and Planning Principles. Translated by Mohammadhossein Malek Ahmadi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
64. Mawdudi, S.A.,(1986), The Islamic Way of Life, edited by Khurshid Ahmad and Khurram Morad, Leicester: The Islamic Foundation.





پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی